

رتبه بندی عوامل کلیدی موثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران

محمدحسین احسان‌فر^۱
ابوالقاسم اثنی‌عشری امیری^۲
رضا مطیعی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۵

چکیده

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، گسترش و نهادینه‌سازی اصول و مبانی اسلام در عرصه‌های گوناگون و انطباق و سازگار کردن کارکرد نظام‌های مختلف جامعه با موازین شرع و فقه اسلامی است. نظام آموزشی بعنوان یک بستر و زمینه برای بروز خلاقیت، نوآوری، شکوفایی و رشد جمعی و فردی بین اعضای یک جامعه می‌تواند مزایای قابل توجهی را در حوزه نظر و عمل به همراه داشته باشد. بکارگیری این نظام در عملیاتی کردن مبانی اقتصاد اسلامی نیازمند در نظر گرفتن عوامل مختلف است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر به کارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران می‌باشد. با بررسی ادبیات موضوع و بر مبنای دیدگاه‌های موجود در حوزه اقتصاد اسلامی، ۳۰ زیر معیار در قالب ۲ عامل اصلی شناسایی شد. این عوامل و زیرمعیارها با نظر سنجی از ۳۱۳ نفر از خبرگان، اساتید دانشگاهی و حوزه‌های علمیه و با کمک فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی رتبه بندی گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از نظر خبرگان، هنگام تصمیم‌گیری در خصوص به کارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی بایستی عوامل آموزش و پرورش، دانشگاه، فضای مجازی سایبر و حوزه علمیه به ترتیب مد نظر قرار گیرند.

کلمات کلیدی: اقتصاد اسلامی، نظام آموزشی، آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی
طبقه بندی JEL: P40، P46

m.ehsanfar@pnu.ac.ir

esnaashari2000@gmail.com

rm.search2011@gmail.com

۱- استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور

۲- دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور

۳- مدرس، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور

مقدمه

نظام آموزشی بعنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به توسعه هر رشته‌ای از دانش، یک پارادایم مهم در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی مطرح بوده (مصباحی‌مقدم و میسمی، ۱۳۸۸) و آموزش علم اقتصاد نیز به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در توسعه رشته اقتصاد اسلامی و حوزه‌ای که در عملیاتی کردن مبانی اقتصاد اسلامی نقش موثری دارد، شناخته شده است (نظریور، ۱۳۸۲).

ارزیابی نظام آموزش علم اقتصاد در دوره اخیر نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از انقلاب فرهنگی، دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با نحوه تعامل با علوم متعارف از جمله اقتصاد، به نحوی که بتواند جوابگوی نیازهای کشور اسلامی ما باشد، مطرح شد (عسگری و میسمی، ۱۳۸۸). به دلایل مختلف نهایتاً رویکردی خاص در تدریس اقتصاد متعارف اتخاذ گردید. این رویکرد که هنوز هم با تغییرات مختصری ادامه دارد، بدین صورت است که دروس اقتصاد متعارف بدون هیچ تغییر اساسی و با ترجمه کتب متعارف اقتصاد (مشابه کشورهای اروپایی و آمریکا) درس داده شود و دروس دیگری که به اقتصاد اسلامی مرتبط هستند به صورت کاملاً مستقل از دروس متعارف به واحدهای درسی دانشجویان اضافه گردد. البته کاربرد این دیدگاه در عمل تنها به اضافه شدن چند درس به دروس اقتصاد متعارف محدود گردید. بررسی تجربه سه دهه اخیر در حوزه آموزش اقتصاد در ایران نشان می‌دهد که این رویکرد در حوزه آموزش اقتصاد با مشکلات جدی مواجه شده است (پوریزدان پرست، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۵؛ دادگر، ۱۳۸۴: ۵-۱؛ کریمی، ۱۳۸۳: ۶-۲؛ نتاج امیری، ۱۳۸۳: ۱۲-۳؛ عسگری و میسمی، ۱۳۸۸).

اگر چه علل متعددی برای ناکامی در اجرا و توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در محافل آکادمیک و اجرایی در ایران ذکر شده است لیکن می‌توان دلیل ناکامی را از زوایای گوناگون بررسی کرد. رسالت و مأموریت نظام آموزش (عمومی و تخصصی) و پژوهش اقتصاد در تولید و گسترش دانش در عرصه‌های جدید و تلاش برای سازگاری دانش متعارف با ضرورت‌ها و الزامات نو از جمله عناصری است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین مسأله مورد نظر داشته باشد (فدایی، ۱۳۹۱). روند شکل‌گیری دانش اقتصاد در جهان و انتقال این دانش به ایران در کنار روند بومی‌سازی دانش اقتصاد در مراکز علمی و دانشگاهی و قدرت درک و استنباط مراکز حوزوی و دانشگاهی از تازه‌های دانش اقتصاد از یک‌سو و انطباق آن با تحولات اقتصاد ایران و فرایند تولید علم اقتصاد در ایران همراه با شکاف تولید دانش اقتصاد در ایران با مرزهای دانش از سوی دیگر، از جمله عناصری هستند که هر یک به نوعی می‌توانند در ترسیم علل تعامل یا ناسازگاری دانش اقتصاد متعارف در ایران با اقتصاد اسلامی و ناکامی فرایند تولید دانش اقتصاد در ایران در جهت

بسترسازی لازم برای نظریه‌سازی و در نهایت اجرای اقتصاد اسلامی تأثیرگذار باشند؛ البته وضعیت خاص دانشگاه‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و کمبود استادان مجرب در این زمینه را نیز نباید در تبیین وضع موجود مباحث اقتصاد اسلامی از نظر دور داشت (نظرپور، ۱۳۸۲).

با توجه به اهمیت، مزایا و چالش‌های به کارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران، هدف این مطالعه تعیین عواملی است که دانشگاه‌ها هنگام به کارگیری نظام آموزش علم اقتصاد بایستی در نظر بگیرند. به این منظور، بعد از بررسی و تجزیه و تحلیل ادبیات موجود، عوامل مربوط به دو دسته شامل آموزش‌های عمومی و تخصصی تعیین گردید تا برای دستیابی به هدف از طریق نظرسنجی از خبرگان، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

الف- عوامل کلیدی مؤثر در تصمیم‌گیری برای به کارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها کدامند؟

ب- این عوامل از نظر اهمیت و اولویت دارای چه رتبه‌بندی هستند؟

۱- مبانی نظری

۱-۱- نظام آموزشی و آموزش اقتصاد در ایران

وجود یک نظام آموزشی قوی و هدفمند، باعث شکوفایی علمی و به حرکت درآمدن چرخ‌های اقتصادی و معنوی یک جامعه خواهد شد (سلیمانی، ۱۳۹۰). بررسی اسناد و مدارک موجود، نشان می‌دهد که بیش از یک قرن از سابقه تولید و انتشار معرفت علمی در حوزه اقتصاد و حدود ۷۰ سال از شکل‌گیری برنامه آموزش رسمی دانشگاهی در ایران سپری می‌شود و سابقه تولید و انتشار دانش اقتصاد به صورت دانش مدون و محصول عصر نو، از سابقه آموزش دانشگاهی علوم جدید در کشورمان بیشتر و عمیق‌تر است (درخشان، ۱۳۸۱: ص ۲۳).

اگر وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری نهضت علمی در اروپا را منشأ زایش علم اقتصاد در جهان بدانیم، شکاف معرفت علمی در حوزه اقتصاد در ایران و کشورهای پیشرفته نزدیک به دو قرن است و آغاز رسمی آموزش اقتصاد در ایران با بیش از دو قرن تأخیر همراه بوده است. این تأخیر قابل توجه در مواجهه علمی با دگرگونی‌های اقتصادی جامعه در عرصه نظر و عمل سبب شد تا همواره جامعه ایران موضعی منفعل در زمینه نظریه پردازی و عملیاتی کردن دستاوردهای علمی دانش اقتصاد اتخاذ کند. در چنین فضایی، فرایند بومی سازی دانش اقتصاد و تولید علم با تأخیر دنبال شد و به رغم تلاش‌های صورت گرفته در قرن گذشته، ظرفیت دانش اقتصاد ایران که محصول نظام آموزش رسمی کشور بود نتوانست خود را به مرز دانش در این حوزه نزدیک سازد و به تبع آن، تعدیل در نظریه‌های وارداتی با هدف متناسب سازی آن با الزام‌ها و وضعیت داخلی

همواره یکی از عرصه‌های چالش برانگیز کارکرد نظر و عمل در اقتصاد ایران بوده است. مروری بر عملکرد نظام آموزش رسمی اقتصاد ایران و عملکرد فارغ التحصیلان اقتصاد به صورت محصولات این نظام آموزشی نشان می‌دهد که تلاش اقتصاددانان کشور چه در عرصه آموزش و پژوهش و چه در عرصه های اجرایی قابل توجه است. تلاش اقتصاددانان کشور فقط به آموزش و پژوهش خلاصه نمی‌شود؛ بلکه سهم و نقش آنان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی از همان ابتدای سیاست‌گذاری در عرصه اقتصاد از سوی دولت و حتی پیش از تدوین نخستین برنامه عمرانی کشور مشهود و غیرقابل انکار است (احمدی، ۱۳۸۹).

۱-۲- اقتصاد اسلامی

نظام اقتصاد اسلامی نشأت گرفته از قرآن و سنت است و محدود به بیان و تحلیل رفتارهای اقتصادی-اجتماعی نیست، بلکه جریانی فعال و پویاست که به طور مستمر این رفتارها را تصحیح می‌کند (رضوی، ۱۳۹۰). اخلاقیات اسلامی سرچشمه تغذیه معنوی این نظام است و همواره در تعیین و دستیابی به اهداف آن نقش تعیین کننده‌ای دارد. در اسلام، معیارهای اخلاقی بر فعالیت‌های اقتصادی انسان و جامعه تأثیر مستقیم دارد و افزون بر تعیین چارچوب و دامنه عمل فعالیت‌های اقتصادی، به نوعی آن را کنترل و نظارت می‌کند. بعبارتی در اسلام، برخلاف دیگر مکاتب، آموزه‌های دینی و اخلاقی، رکن رکین و پشتوانه همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فرد و جامعه است.

بر واضح است که هدف یک اقتصاد اسلامی نمی‌تواند تنها دستیابی به رفاه اقتصادی باشد بلکه لازم است در کنار این هدف، اهداف معنوی، اخلاقی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داد. بر اساس جهان بینی اسلامی، جامعه ای می‌تواند به عنوان یک جامعه اسلامی در نظر گرفته شود که در آن همه زمینه های حرکت به سوی خدا برای تمامی افراد وجود داشته باشد. بدین سبب جامعه سعادت‌مند از دیدگاه اسلام، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ویژگی‌های خاص و متمایزکننده‌ای دارد (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۲). این ویژگی‌ها در حقیقت همان اهداف خُرده نظام‌های نظام اسلامی است و کوتاه‌ترین راه برای دستیابی به این اهداف نیز مراجعه به کلمات معصومین (ع) است (میرمعزی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۰؛ انصاری، ۱۳۷۸: ۴۶-۲۲). با مراجعه به آیات و روایات در کل می‌توان چهار هدف زیر را به عنوان اهداف اصلی یک اقتصاد اسلامی در نظر گرفت.

۱- تأمین نیازهای اساسی از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش برای تمامی افراد.

۲- تضمین ارائه فرصت‌ها به صورتی عادلانه برای همگان؛ و به عبارت دیگر تضمین این مطلب که هر کس در زمینه سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه به حق خود دست یابد و بی دلیل حقی از کسی ضایع نشود.

۳- جلوگیری از تمرکز ثروت و تلاش در جهت دستیابی به توازن اقتصادی و کاهش نابرابری‌های موجود در توزیع درآمد. این موارد در صورتی تأمین می‌شود که اولاً اختلاف درآمدها و ثروت‌ها ناشی از ستم، تبعیض، ظلم و امتیازهای ناروای حکومتی نباشد و در عوض در نتیجه اختلاف استعداد، تلاش و پشتکار انسان‌ها باشد؛ و ثانیاً ثروتمندان خود را موظف به پرداخت حقوقی که در اموالشان نسبت به فقرا وجود دارد، بدانند. این حقوق شامل حق نیازمندان و فقرا و همچنین حق امام و رهبر جامعه می‌شود.

۴- تأمین ثبات، رشد و امنیت اقتصادی لازم برای تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی در حوزه اقتصاد.

کنکاشی در ادبیات اقتصاد اسلامی در ایران و در سایر کشورها به وضوح نشان می‌دهد که در دوره سی ساله اخیر، تحقیقات متعددی در هر دو حوزه مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی و به طور خاص بانکداری اسلامی و به زبان‌های مختلف (فارسی، انگلیسی و عربی) انجام شده است که لازم است در آموزش دروس مختلف رشته اقتصاد، از این پژوهش‌ها نیز استفاده شود. مثلاً در حوزه اقتصاد کلان برخی مطالعات نشان می‌دهند که توجه به ملاحظات اسلامی در مورد ربا و بهره می‌تواند به سامان‌دهی مطلوب اشتغال در جامعه اسلامی بیانجامد (احمد، ۱۹۶۹: ۱۰-۴).

مطالعات دیگری ثابت می‌کند اجرای آموزه‌های اسلامی در مورد اعتبارات مالی، از نوسانات ناکارآمد اقتصادی می‌کاهد (اختر، ۱۹۹۳: ۱۸-۱۴) و همچنین ریسک مبادلات در صورت التزام به آموزه‌های اقتصاد دینی، کاهش پیدا می‌کند (بشیرک، ۱۹۹۰: ۷). مطالعات دیگری شکوفایی سرمایه‌گذاری در چارچوب آموزه اسلامی را به اثبات رسانده است (دارات، ۱۹۹۳: ۱۶-۱۳). برخی دیگر از تحقیقات نیز مزیت‌های نظام بانکداری اسلامی در برابر نظام متعارف را مورد توجه قرار می‌دهند (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۸: ۱۸-۲؛ صدیقی، ۱۳۸۴: ۸۲-۴۰؛ توتونچیان، ۱۳۷۵: ۵۶۹-۵۴۶؛ موسویان، ۱۳۸۱: ۸-۴). این مزیت‌ها توسط سایر اقتصاددانان مسلمان نیز مورد بررسی قرار گرفته است (صدیقی، ۱۹۸۳: ۱۹-۱۲؛ چپرا، ۲۰۰۷: ۲۴-۱۲؛ الجرحی، ۱۹۸۱: ۱۹-۲).

۱-۳- عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی

پوریزدان پرست (۱۳۸۳) بر این عقیده است که نظام آموزش و اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی تغییر چندانی نداشته و مشکلات این نظام را در پنج عنوان مطرح کرده است که عبارتند از: ارتباط نداشتن آموزه‌های علم اقتصاد با اعتقادات اسلامی؛ بیگانگی آموزه‌های علم اقتصاد از واقعیات جامعه

ایرانی؛ ترجمه گرائی و دور بودن از مرزهای دانش علم اقتصاد؛ بی‌توجهی آموزه‌های علم اقتصاد به روابط ناعادلانه حاکم بر اقتصاد و بی‌توجهی آموزه‌های علم اقتصاد به اصول مدیریتی اقتصادی و نقش دولت.

مصباحی مقدم (۱۳۸۳) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی آموزش اقتصاد پول و بانکداری در ایران» به بررسی وضعیت آموزشی تخصصی بانکداری بدون ربا در دو سطح برنامه مراکز آموزشی و کتابهای مرتبط با موضوع پرداخته و چشم‌اندازی از وضع موجود در دانشگاه‌های کشور در این زمینه ارائه نموده است.

احمدی (۱۳۸۴) به تحلیل چالش‌های موجود نظام آموزش اقتصاد اسلامی پرداخته است و بیان نموده که نظام آموزشی اقتصاد ایران تاکنون شاهد ظهور چهار نسل دانش‌آموختگان اقتصاد بوده است و شناخت اجمالی توانایی‌ها و رویکردهای آنان در جایگاه خود می‌تواند توضیح دهنده بخشی از علل حاشیه‌ای بودن یا انزوای اقتصاد اسلامی در نظام آموزش رسمی کشور باشد. عوامل بیرونی همچون تصمیمات سیاست‌گذاران و نظام عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی نیز از سایر علل مورد اشاره در این مطالعه است.

صدیقی (۱۳۸۴) در کتاب خود تحت عنوان «آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی» در شش فصل به مبانی اقتصاد اسلامی از دیدگاه خرد، کلان، بخش عمومی، بین‌الملل، توسعه و پول و بانکداری پرداخته است. وی در این کتاب به نقطه اصلی افتراق اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف (تحلیل نئوکلاسیک) یعنی «فرضیه حداکثر کردن» پرداخته و تفاوت‌های نظام اقتصادی اسلام را در این خصوص بیان کرده است.

یوسفی (۱۳۸۵) در مقاله خود به بررسی «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی» پرداخته است. به نظر این محقق اقتصاد اسلامی، هرگونه روشی در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی به تصور برداشت محقق (هر چند اجمالی) از مفهوم قلمرو اقتصاد اسلامی بستگی، و در این راستا ابتدا برداشت و تصور مدعیان این روش‌ها از اقتصاد اسلامی و قلمرو آنها را مطرح و سپس هر یک از این روش‌ها را با مبانی فقه شیعه تطبیق نموده است.

عیوضلو (۱۳۸۶) در بخشی از مطالعه خود تحت عنوان «اقتصاد اسلامی از نظر تا عمل» به بررسی برخی از چالش‌های اقتصاد اسلامی از دیدگاه نظری و تطبیقی پرداخته است. از نظر وی جایگاه والای حوزه‌های علمیه در ایران و تأثیرگذاری نگرش‌ها و روش‌های حوزوی در استنباط امور دینی و اظهار نظر تخصصی و نیز شکل‌گیری نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌ها و قوانین شرعی در دوره پس از انقلاب به عنوان دو جنبه مهم در شکل‌گیری ادبیات اقتصاد اسلامی در ایران تأثیرگذار بوده است.

سید نورانی و تاری (۱۳۸۷) در مطالعه خود به تحلیل ضرورت اصلاح آموزشی اقتصاد اسلامی پرداخته و در ادامه با ارائه تجربه دانشگاه‌های اسلامی برخی کشورها پیشنهاد ارائه دو درس «اقتصاد اسلامی ۱ و ۲» و یا «اصول اقتصاد اسلامی» و «بانکداری اسلامی» در دانشگاه‌ها نموده‌اند. مصطفوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی» که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است به جمع‌بندی دیدگاه‌های موجود در مورد مشکلات آموزشی و پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی در چهار محور عملکرد دولت، دانشجویان، اساتید و عرضه و تقاضای خدمات آموزشی و پژوهشی در اقتصاد اسلامی پرداخته است. از یک طرف نظریور (۱۳۸۷) مشکلات نظام آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی را در تمایل کم استادان برای تدریس دروس اقتصاد اسلامی و فقدان متون غنی در این حوزه می‌داند؛ و از طرف دیگر به دلیل ضعف سیستم آموزشی و برنامه‌ریزی علم اقتصاد در ایران و عدم آشنائی استادان با متدولوژی و فلسفه اقتصاد نگاه پوزیتیو صرف به اقتصاد داشته و موجب سطحی‌نگری دانش‌آموختگان شده است (نجفی، ۱۳۸۷). مسأله سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی از جمله مشکلات دیگری است که به دشواری‌های مسیر توسعه اقتصاد اسلامی اضافه شده و حسینی (۱۳۸۷) به آن پرداخته است.

فدایی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای توصیفی پیمایشی به بررسی تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران پرداخته است. وی در این مقاله با معرفی عوامل آموزش و پرورش، فضای مجازی سایبر و سایر، بعنوان مولفه‌های «آموزش‌های عمومی» و عوامل دانشگاه و حوزه علمیه بعنوان مولفه‌های «آموزش‌های تخصصی» و عوامل روش‌شناسی، منابع پژوهشی و سایر، بعنوان مولفه‌های «روش پژوهش» به شناسایی عوامل اثرگذار بر توسعه اقتصاد اسلامی در ایران از دیدگاه کارشناسان اقتصادی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که «برگزاری کارگاه‌های آموزشی فقه معاملات و اخلاق بازار قبل از صدور مجوز فعالیت اقتصادی»، «برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز پژوهشی در جهان»، «توسعه رشته‌های تلفیقی حوزه و دانشگاه»، «تدوین و تالیف کتاب روش تحقیق در اقتصاد اسلامی» و «برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌ها در حوزه اقتصاد اسلامی» بعنوان عوامل تاثیرگذار در آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی و روش پژوهش دارای بیشترین میانگین در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی بودند.

عمر چپرا^۱ (۱۹۹۶) در فصل دوازدهم از کتاب خود تحت عنوان «اسلام و چالش‌های اقتصادی» به بررسی چالش‌های کشورهای اسلامی در خصوص راهبردهای سکولار سرمایه‌داری، سوسیالیسم و

دولت رفاه و عدم تعادلات اقتصاد کلان و بخش خارجی پرداخته است. او علت شکست نظام‌های سکولار سرمایه‌داری و این قبیل

نظام‌های اقتصادی را عدم پایبندی افراد به اولویت‌های اجتماعی در بهره‌برداری از منابع می‌داند. وی در ادامه تصریح داشته که در صورتی که آموزه‌های اسلامی در چارچوب اقتصادی آموزش داده نشود، جامعه هرگز نمی‌تواند در از بین بردن عدم تعادل‌های اقتصادی و تحقق توسعه مورد نظر اسلام موفق باشد.

الزرقا^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود تحت عنوان «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش» به امکان سنجی صفت اسلامی دادن به علم اقتصاد پرداخته است. وی در این مقاله به بیان ارزش‌های مورد استفاده علم اقتصاد پرداخته و بیان داشته که اگر بتوان این ارزش‌ها را با ارزش‌های اسلامی جایگزین نمود و به مقولات وصفی اقتصاد که تاکنون به دست آمده مقولات یاد شده را افزود، می‌توان علم اقتصاد اسلامی داشت.

میراکخور^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان یادداشتی بر اقتصاد اسلامی، به استناد آیات قرآن کریم و برخی منابع شیعی به بررسی جوانب این نظام در مقایسه با اقتصاد متعارف پرداخته و در نهایت بر ضرورت توسعه رشته اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها تأکید دارد. بر اساس دیدگاه وی علیرغم توزیع وسیع ثروت در جوامع مسلمانان در جهان، میزان بوریه و حمایت‌های مالی جهت ادامه تحصیل در رشته اقتصاد اسلامی بسیار اندک است.

امین و همکاران^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای توصیفی پیمایشی در دانشگاه الصباح مالزی به بررسی علل و انگیزه‌های گرایش دانشجویان مقطع کارشناسی به ثبت نام در رشته مالیه (حسابداری) اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده که از بین عوامل مورد بررسی انگیزه شخصی و اطلاعات در مورد رشته تحصیلی بیشترین تاثیر را در گرایش به ثبت نام و تحصیل در این رشته داشته است.

1 - Anas Zarqa
2 - Mirakhor
3 - Amin & et al

بنابراین با توجه به موارد اشاره شده می‌توان عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی را برابر جدول ۱ نشان داد:

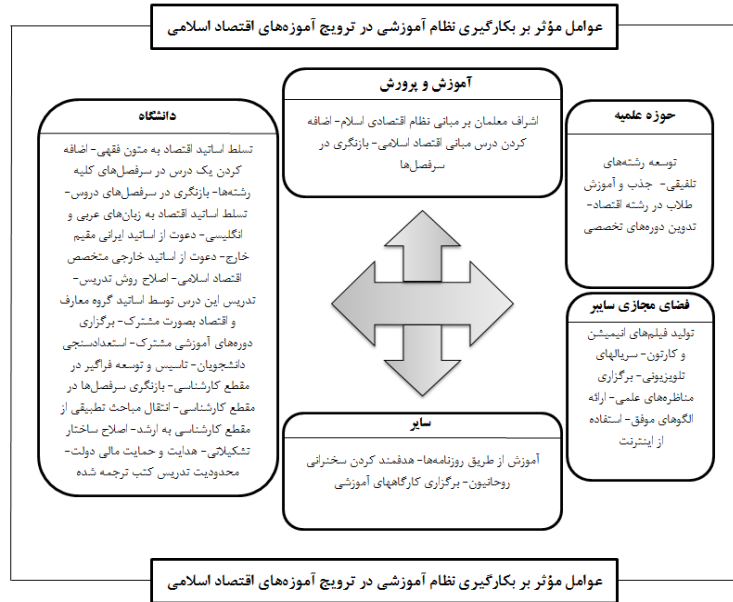
جدول ۱: متغیرهای مطرح در تصمیم برای بکارگیری نظام آموزشی

عوامل شناسایی شده	نویسنده	منابع بیشتر
مبانی اقتصاد اسلامی	صدیقی (۱۳۸۴)	مصباحی مقدم (۱۳۸۳)، سید نورانی و تازی (۱۳۸۷)، نظرپور (۱۳۸۷)، الزرقا (۲۰۰۳)
عمومی و تخصصی	فدایی (۱۳۹۱)	عیوضلو (۱۳۸۶)، نظرپور (۱۳۸۷)، امین و همکاران (۲۰۰۹)، مصباحی مقدم (۱۳۸۳)، مصطفوی (۱۳۸۷)، حسینی (۱۳۸۷)
استقلال اقتصاد اسلامی	پوریزدان پرست (۱۳۸۳)	عمر چپرا (۱۹۹۶)
عوامل بیرونی و درونی	احمدی (۱۳۸۴)	مصطفوی (۱۳۸۷)، عمر چپرا (۱۹۹۶)، پوریزدان پرست (۱۳۸۳)
نظری و تطبیقی	عیوضلو (۱۳۸۶)	میراخور (۲۰۰۷)، یوسفی (۱۳۸۵)، صدیقی (۱۳۸۴)

از آنجایی که رسالت و مأموریت نظام آموزشی در تولید و گسترش دانش در عرصه‌های جدید و تلاش برای سازگاری دانش متعارف با ضرورت‌ها و الزامات نو از جمله عناصری است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی داشته باشد، بنابراین با توجه به پیشینه پژوهش و بر مبنای مدل عمومی، تخصصی (فدایی، ۱۳۹۱)، در این مطالعه از مدل پنج بعدی آموزش و پرورش، آموزش فضای سایبر، دانشگاه، حوزه علمیه و سایر، استفاده گردیده است (شکل شماره ۱).

در ادامه، عوامل مؤثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی برابر شکل شماره ۱ ارائه شده است.

شکل ۱: عوامل مؤثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی



۲- روش شناسی پژوهش

مطالعهٔ پیش رو تحقیقی توصیفی، پیمایشی با ماهیت کاربردی است. در این مطالعه در پی‌شناسایی و رتبه بندی عواملی هستیم که بتواند مورد استفادهٔ مراکز آموزشی در تصمیم بر به کارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی باشد. برای این منظور، دو مرحله انجام گرفته است. در مرحلهٔ اول، عوامل مؤثر بر تصمیم بر به کارگیری نظام آموزشی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و تحقیقات صورت گرفته در مراکز آموزشی مورد شناسایی قرار گرفته است. شکل ۱ مجموعه عوامل شناسایی شده در این پژوهش را نشان می‌دهد. در مرحلهٔ دوم، عوامل شناسایی شده از طریق پرسشنامه و با کمک تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی، براساس سؤالات تحقیق رتبه بندی شده‌اند. برای این منظور، ابتدا ساختار سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر به کارگیری نظام آموزشی برابر شکل ۳ ترسیم شده است.

۲-۱- جامعه آماری و روش نمونه گیری

با توجه به تخصصی بودن موضوع پژوهش، جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارشناسان ارشد و دکترای تخصصی و پژوهشگران اقتصاد در دانشگاهها و مراکز آموزشی در ایران می باشد. از طرف دیگر، با توجه به محدود بودن جامعه آماری، از روش سرشماری استفاده شده است. پرسشنامه برای ۶۱ نفر از خبرگان ارسال شد که از این تعداد، ۵۲ پرسشنامه دریافت گردید و در نهایت، با بررسی بعمل آمده، ۵۰ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

۲-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور کسب نظرات خبرگان در ماتریس مقایسه های زوجی از پرسش نامه استفاده شده است. پرسشنامه ها طوری طراحی گردیده بود که به پاسخ دهندگان این امکان را می داد که با مقایسه زوجی معیارها و زیرمعیارها در گروه خودشان، اهمیت هر یک از آنها را مشخص کنند. برای سنجش روایی پرسشنامه از نظرات خبرگان مدیریتی و اساتید دانشگاهی استفاده گردیده است. همچنین، به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از نرخ ناسازگاری (که بایستی مقدار آن بیشتر از ۰/۱ باشد) برابر جدول شماره ۳ استفاده گردیده است. پس از جمع آوری پاسخ های خبرگان در قالب گویه های کلامی، بایستی پاسخ های مذکور به مقیاس فازی تبدیل شوند. مقیاس مورد استفاده در این پژوهش مقیاس فازی ۹ تایی (جدول شماره ۲) است که کائول و ورما بر اساس مقیاس ساعتی پیشنهاد کرده اند (Koul & Verma, 2011).

جدول ۲: طیف فازی و عبارات کلامی متناظر

کد	عبارات کلامی	عدد فازی	کد	عبارات کلامی	عدد فازی
۱	اهمیت برابر	(۱و۱)	۶	اهمیت زیاد تا خیلی زیاد	(۷و۵)
۲	اهمیت کم تا متوسط	(۳و۲و۱)	۷	اهمیت خیلی زیاد	(۸و۷و۶)
۳	اهمیت متوسط	(۴و۳و۲)	۸	اهمیت خیلی زیاد تا کاملا زیاد	(۹و۸و۷)
۴	اهمیت متوسط تا زیاد	(۵و۴و۳)	۹	اهمیت کاملا زیاد	(۱۰و۹و۸)
۵	اهمیت زیاد	(۶و۵و۴)			

۳- فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی Thomas L. Saaty

تحلیل سلسله مراتبی (AHP) که توسط توماس ال. ساعتی^۱ در دهه ۱۹۷۰ ارائه شد، از معروف ترین و کاربردی ترین فنون تصمیم گیری چند شاخصه است. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است. فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP) عبارتند از فازی سازی روش

1 - Thomas L. Saaty

(AHP) کلاسیک با استفاده از اعداد و محاسبات فازی (آذر و فرجی، ۱۳۸۹). برای برخورد با ابهام موجود در نظرات انسان‌ها، پروفیسور لطفی‌زاده در سال ۱۹۶۵، نظریه مجموعه‌های فازی را ارائه داد تا عدم قطعیتی را که به علت ابهام و عدم دقت در رویدادها ایجاد شده است، تحت مدل درآورد. چانگ در سال ۱۹۹۲ روشی بسیار ساده را برای بسط فرایند تحلیل سلسله مراتبی به فضای فازی ارائه داد. این روش که مبتنی بر میانگین حسابی نظرات خبرگان و روش نرمالایز ساعتی بوده و با استفاده از اعداد مثلثی فازی توسعه داده شده بود، مورد استقبال محققان قرار گرفت (زنجیرچی، ۱۳۹۰). مراحل انجام این روش به قرار زیر می باشد:

مرحله ۱: ترسیم درخت سلسله مراتبی: در این مرحله ابتدا ساختار سلسله مراتبی تصمیم با استفاده از سطوح هدف، معیار و زیرمعیارها ترسیم می شود.

مرحله ۲: تشکیل ماتریس مقایسات زوجی: در این مرحله ماتریس‌های توافقی را مطابق با درخت تصمیم و با استفاده از نظرات خبرگان تشکیل داده و سپس نرخ ناسازگاری مطابق روش گوگوس و بوچر (۱۹۹۸) محاسبه می گردد.

مرحله ۳: این مرحله، مرحله محاسبه میانگین حسابی نظرات است.

مرحله ۴: در این مرحله، مجموع عناصر سطر محاسبه می‌شود.

مرحله ۵: این مرحله، مرحله نرمالایز کردن اوزان سطرهاست.

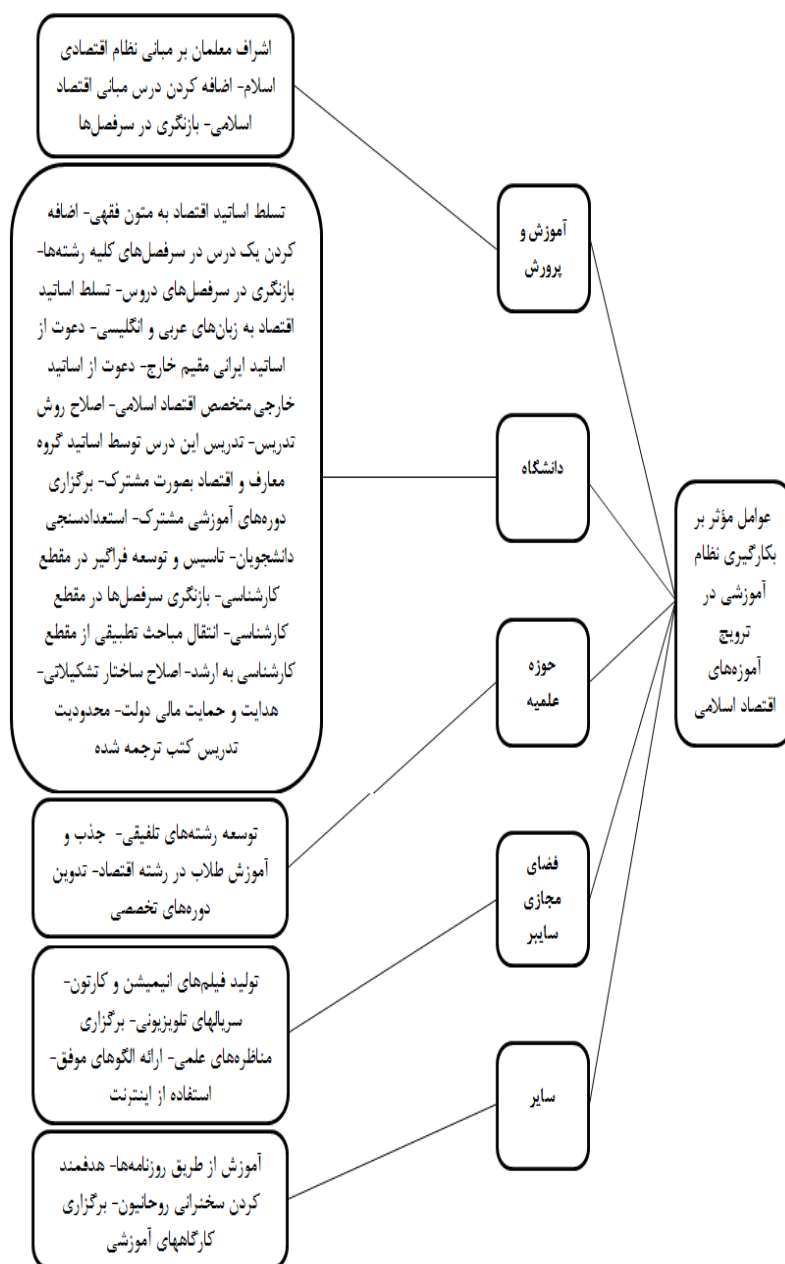
مرحله ۶: در این مرحله، درجه احتمال بزرگتر بودن تعیین می‌گردد.

مرحله ۷: این مرحله، مرحله نرمالای زکردن بردار اوزان است.

مرحله ۸: این مرحله، مرحله ترکیب اوزان به منظور به دست آوردن اولویت‌هاست (زنجیرچی، ۱۳۹۰).

۳-۱- محاسبات فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی با استفاده از روش چانگ

با استفاده از ساختار سلسله مراتبی (شکل شماره ۲) و با دنبال کردن گام‌های فرایند فازی که در بالا به آن اشاره شد، نخست نظرات خبرگان (از طریق تبدیل عبارات کلامی به اعداد مثلثی فازی با توجه به جدول شماره ۲) تجمیع، و به منظور اطمینان از سازگاری ماتریس‌ها نرخ ناسازگاری (جدول شماره ۳) مطابق روش (Gogus & Boucher (1998) محاسبه و سپس وزن هر یک از معیارهای سطوح دو و سه ساختار سلسله مراتبی محاسبه می شود.



شکل ۳: درخت سلسله مراتب عوامل مؤثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی

جدول ۳: نرخ سازگاری ماتریس های تجمیع شده

نرخ سازگاری	عنوان ماتریس های تجمیع شده	سطوح ساختار سلسله مراتب
۰/۰۸۶۴	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیرمعیارهای آموزش و پرورش	سطح سوم
۰/۰۷۰۳	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیرمعیارهای دانشگاه	
۰/۰۶۶۶	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیرمعیارهای فضای مجازی سایر	
۰/۰۵۲۴	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیرمعیارهای سایر	
۰/۰۵۲۱	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیرمعیارهای حوزه علمیه	سطح دوم
۰/۰۷۳۷	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی عوامل مؤثر بر به کارگیری نظام آموزشی	

برای محاسبه وزن نهایی هر یک از زیرمعیارها که نشان دهنده اهمیت آن‌ها بر اساس نظر خبرگان است، لازم است اوزان زیر معیارهای سطح سوم را در وزن معیار مربوط به خود در سطح دوم ضرب کنیم. جدول شماره ۴ وزن معیارهای سطح دوم (نسبت به سطح هدف) و وزن زیر معیار های سطح سوم و وزن نهایی هر یک از زیر معیارها را نشان می دهد.

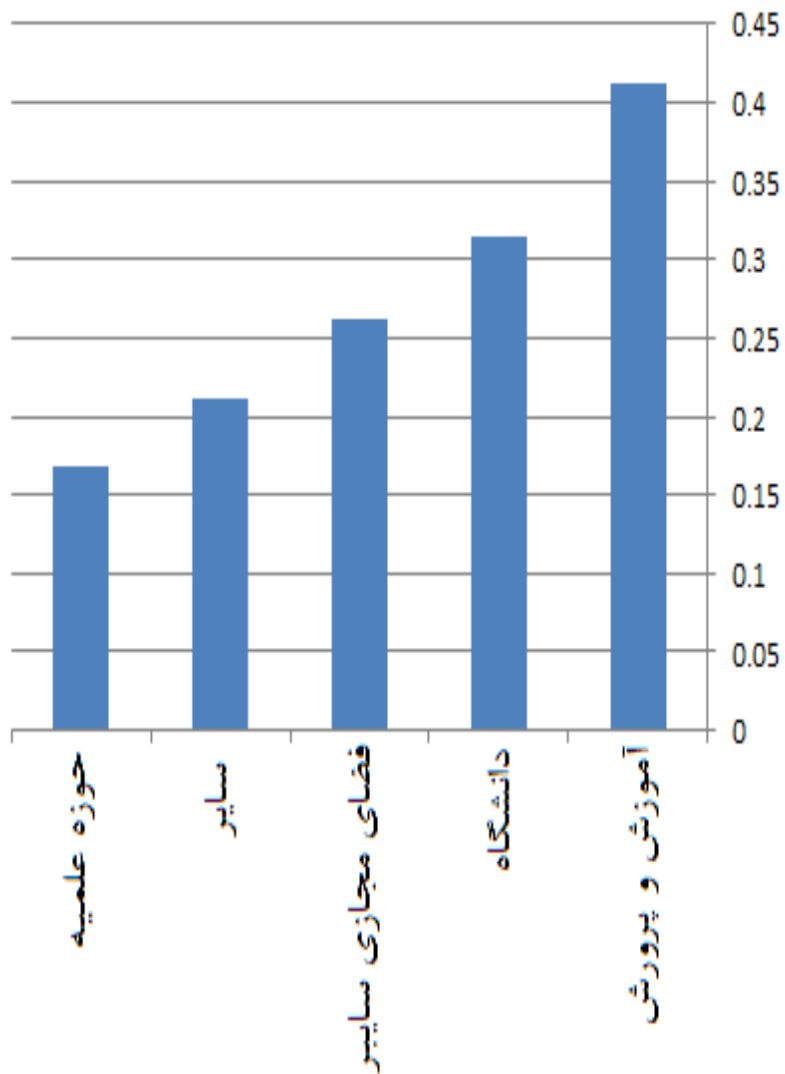
جدول ۴: وزن نسبی و نهایی معیارها و زیرمعیارها

معیار	وزن	زیرمعیار	وزن محلی	وزن نهایی
حوزه علمیه	۰/۱۶۹	توسعه رشته‌های تلفیقی	۰/۶۰۰	۰/۱۰۱۳
		جذب و آموزش طلاب در رشته اقتصاد	۰/۱۳۷	۰/۰۳۳۱
		تدوین دوره‌های تخصصی	۰/۲۸۵	۰/۰۴۸۱
آموزش و پرورش	۰/۴۱۲	اشراف معلمان بر مبانی نظام اقتصادی اسلام	۰/۱۴۴	۰/۰۵۹۲
		اضافه کردن درس مبانی اقتصاد اسلامی	۰/۱۵۱	۰/۰۶۲۱
		بازنگری در سرفصل‌های دروس دبیرستان	۰/۱۳۰	۰/۰۵۳۳
فضای مجازی سایر	۰/۲۶۲	تولید فیلم‌های انیمیشن و کارتون	۰/۱۲۱	۰/۰۳۱۶
		سریال‌های تلویزیونی	۰/۰۸۲	۰/۰۲۱۶
		برگزاری مناظره‌های علمی	۰/۴۶	۰/۱۲۰۳
		ارائه الگوهای موفق	۰/۰۸۲	۰/۰۲۱۵
دانشگاه	۰/۳۱۵	استفاده از اینترنت	۰/۳۱۴	۰/۰۸۲۳
		تسلط اساتید اقتصاد به متون فقهی	۰/۰۶۰	۰/۰۱۸۸
		اضافه کردن یک درس در سرفصل‌های کلیه رشته‌ها	۰/۰۷۳	۰/۰۲۲۳
		بازنگری در سرفصل‌های دروس	۰/۱۴۰	۰/۰۴۳۹
		تسلط اساتید اقتصاد به زبان‌های عربی و انگلیسی	۰/۰۸۸	۰/۰۲۷

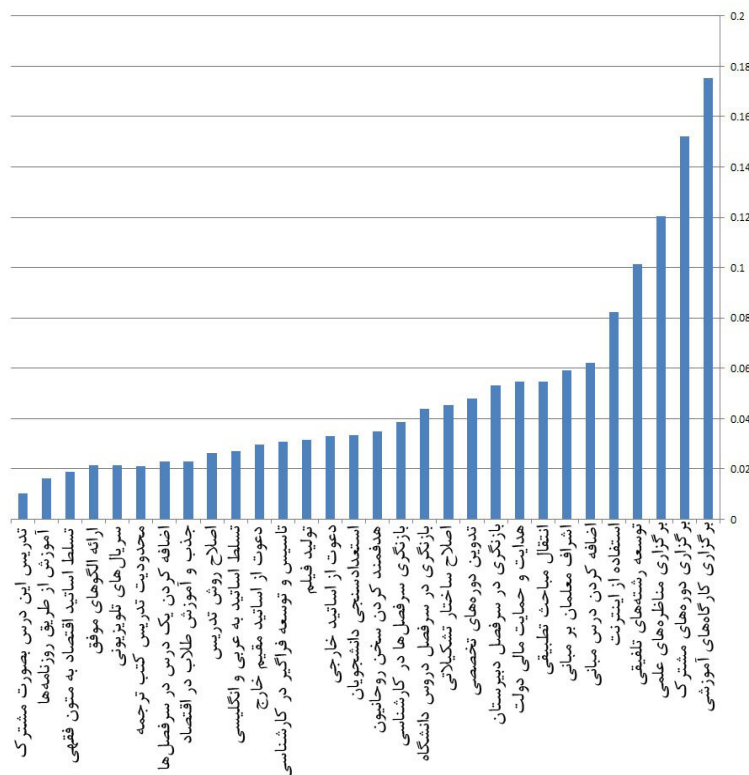
		دعوت از اساتید ایرانی مقیم خارج	۰/۰۹۴	۰/۰۲۹۶
		دعوت از اساتید خارجی متخصص اقتصاد اسلامی	۰/۱۰۵	۰/۰۳۳
		اصلاح روش تدریس	۰/۰۸۴	۰/۰۲۶۵
		تدریس این درس توسط اساتید گروه معارف و اقتصاد بصورت مشترک	۰/۰۳۳	۰/۰۱۰۳
		برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز آموزشی جهان	۰/۴۸۳	۰/۱۵۲۱
		استعدادسنجی دانشجویان	۰/۱۰۶	۰/۰۳۳۵
		تاسیس و توسعه فراگیر در مقطع کارشناسی	۰/۰۹۹	۰/۰۳۰۹
		بازنگری سرفصل‌ها در مقطع کارشناسی	۰/۱۲۳	۰/۰۳۸۷
		انتقال مباحث تطبیقی از مقطع کارشناسی به ارشد	۰/۱۷۴	۰/۰۵۴۸
		اصلاح ساختار تشکیلاتی	۰/۱۴۳	۰/۰۴۵۲
		هدایت و حمایت مالی دولت	۰/۱۷۳	۰/۰۵۴۶
		محدودیت تدریس کتب ترجمه شده	۰/۰۶۷	۰/۰۲۱
سایر	۰/۲۱۱	آموزش از طریق روزنامه‌ها (بصورت سلسله مباحث آموزشی)	۰/۰۷۸	۰/۰۱۶۴
		هدم‌ند کردن سخنرانی روحانیون	۰/۱۶۵	۰/۰۳۴۹
		برگزاری کارگاه‌های آموزشی	۰/۸۳۰	۰/۱۷۵۲

با توجه به اوزان نهایی معیارها و زیرمعیارها (جدول شماره ۴) می‌توان عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی را اولویت‌بندی نمود. شکل شماره ۳ و ۴ نمودار میله‌ای اوزان نهایی مربوط به معیارها و زیرمعیارها را نشان می‌دهد.

شکل ۳: نمودار اوزان نهایی معیارها



شکل ۴: نمودار اوزان نهایی زیرمعیارها



نتیجه گیری

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که از جمله نظام‌هایی که تحول و مهندسی مجدد در آن بر مبنای اصول اسلامی ضروری به نظر آمده، نظام اقتصادی جامعه است که نخستین گام عملیاتی آن، تدوین قانون بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۲ بود. تدوین این قانون به مثابه پیش درآمدی برای ورود به اقتصاد اسلامی در عرصه عمل، تصویب و ابلاغ شد. در حوزه‌های دیگر نظام اقتصادی، ضرورت بازنگری، تجدید نظر و انطباق قوانین و مقررات (پولی، مالی، معاملاتی و...) با موازین شرعی مدنظر قرار گرفت. بدیهی است که چنین تحول شگرف و گسترده‌ای، نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت مستمر در عرصه‌های علمی و اجرایی به ویژه از طرف مراکز تولید علم و دانشگاه‌ها می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). بکارگیری نظام آموزشی مانند بکارگیری هر نظام دیگر نیازمند در نظر گرفتن ابعاد و عوامل متنوعی است. در این مطالعه، عوامل کلیدی موثر

بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در پنج دسته عوامل آموزش و پرورش، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فضای مجازی سایبر و سایر عوامل به همراه ۳۰ زیرعامل مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته و در نهایت، این عوامل و زیرعوامل رتبه‌بندی گردیده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل آموزش و پرورش از دید خبرگان در رتبه نخست عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی قرار دارد. ملزم کردن نظام تربیتی در آموزش و پرورش توسط دین اسلام به آماده کردن افراد برای دستیابی به اهداف و موظف کردن فرد مسلمان به فراگیری علوم و مهارت‌های پایه‌ای برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه می‌تواند دلیلی بر اهمیت عوامل آموزش و پرورش از دید خبرگان باشد. این اهداف بر پایه سه اصل کلی «تولید مناسب»، «توزیع صحیح» و «مصرف بجا و منطقی» استوار است. بنابراین بایستی درس مبانی اقتصاد اسلامی را در سرفصل‌های درسی دوره دبیرستان اضافه کنیم و برای اشراف معلمان آموزش و پرورش بر مبانی نظام اقتصاد اسلامی یاری رسانیم.

در این تحقیق عوامل دانشگاه بعد از عوامل آموزش و پرورش در رتبه دوم عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی قرار گرفته است. همانطور که مورد انتظار است، توجه به عوامل موثر بر بکارگیری نظام آموزشی توسط دانشگاه و آموزش عالی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. بدیهی است برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در جهان، استعدادسنجی دانشجویان رشته اقتصاد قبل از ورود به مقاطع کارشناسی ارشد، تاسیس و توسعه فراگیر رشته‌های «اقتصاد اسلامی» و «بانکداری اسلامی» در مقطع کارشناسی، استفاده از نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی را با موفقیت روبرو می‌سازد.

بعد از عوامل آموزش و پرورش و دانشگاه، عوامل فضای مجازی سایبر، سایر عوامل و حوزه علمیه به ترتیب در رتبه‌های سوم، چهارم و پنجم قرار گرفتند. مهمترین عوامل فضای مجازی سایبر، «برگزاری مناظره‌های علمی» و «استفاده از اینترنت» است. در سایر عوامل، «برگزاری کارگاه‌های آموزشی» یکی از مهمترین زیرمعیارهاست که در این تحقیق از میان ۳۰ زیرمعیار، رتبه اول را به خود اختصاص داده است. واضح است که برگزاری کارگاه‌های آموزش «فقه معاملات» و «اخلاق در بازار» قبل از صدور پروانه کسب و مجوز فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند تاثیر زیادی در بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی داشته باشد.

مسائل «توسعه رشته‌های تلفیقی»، «جذب و آموزش طلاب در رشته اقتصاد» و «تدوین دوره‌های تخصصی» از جمله زیرمعیارهای مربوط به عوامل حوزه علمیه است. در اینجا یکی از

مهم‌ترین مسائل در خصوص استفاده از نظام آموزشی، «توسعه رشته‌های تلفیقی (حوزه و دانشگاه) همچون دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه رضوی» می‌باشد.

در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند به مراکز آموزشی در خصوص تعیین عواملی که بایستی هنگام بکارگیری نظام آموزشی در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی مدنظر قرار گیرد، و همچنین اولویت این عوامل کمک کند. بعبارت دیگر، مراکز آموزشی می‌توانند از یافته‌های این مطالعه به منظور تصمیم بهتر و موثرتر در بکارگیری نظام آموزشی استفاده نمایند و قبل از بکارگیری آن به کلیه مسائل و عوامل دخیل توجه داشته باشند.

منابع

۱. احمدی، علی محمد (۱۳۸۹)، چالش های موجود نظام آموزش اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸، خرداد ۱۳۸۹.
۲. پوریزدان پرست، محمد هاشم (۱۳۸۳)، لزوم تحول در آموزه های علم اقتصاد، مجموعه مقاله های دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۳. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، اقتصاد پولی و بانکداری، تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکداری.
۴. دادگر، یدالله (۱۳۸۴)، اصلاح ابعادی از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی، مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. درخشان، مسعود، «بررسی تطبیقی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران و سایر کشورها»، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱ ش.
۶. زنجیرچی، سید محمود (۱۳۹۰)، فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی، تهران: صانعی شه میرزادی.
۷. سلیمانی، مسلم (۱۳۹۰)، نظام آموزشی و چالش های آن، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۱۱ دی ۱۳۹۰.
۸. سید نورانی، سید محمد رضا؛ تازی، فتح اله (۱۳۸۷)، ضرورت بازنگری در سرفصل ها و عناوین درس اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد (مقطع کارشناسی)، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.
۹. صدیقی، محمد نجات الله (۱۳۸۴)، آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی، محمد رضا شاهرودی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۰. عسگری، محمد مهدی، میسمی، حسین (۱۳۸۸)، آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی: مقدمه ای بر نحوه توسعه نظام آموزشی اقتصاد اسلامی، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۸، صص ۷۳-۱۰۲.
۱۱. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۸)، ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۱.

۱۲. فدایی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران، دوفصلنامه علمی، تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی سال چهارم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۹۳-۱۱۸.
۱۳. کریمی، زهرا (۱۳۸۳)، ارزش کاربردی پایان نامه‌های کارشناسی ارشد اقتصاد، مجموعه مقاله‌های دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۱۴. مصباحی‌مقدم، غلامرضا و میسمی، حسین (۱۳۸۸)، امکان‌سنجی توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌های کشور:
۱۵. راهکاری در جهت تولید علم در اقتصاد، مدیریت در دانشگاه اسلامی ۴۱ / سال سیزدهم، شماره ۱/بهار ۱۳۸۸.
۱۶. مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی»، همایش تخصصی اقتصاد اسلامی، تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱)، طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۷.
۱۸. میرمعزی، سید حسین (۱۳۷۸)، نظام اقتصادی اسلام؛ انگیزه‌ها و اهداف، چاپ اول: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸، صص ۴۷-۶۱.
۱۹. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۸ (۲۲ صفحه - از ۱۵۷ تا ۱۷۸).
۲۰. نتاج امیری، غلام (۱۳۸۳)، «قدرت تاثیرگذاری توصیه‌های سیاستی منتج از طرح‌های پژوهشی در حل معضلات اقتصادی کشور»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۲۱. نجفی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷)، «ملاحظات پیرامون طرح دانش افزایی اساتید اقتصاد در قلمرو اقتصاد اسلامی»، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.
۲۲. نظریور، محمد نقی (۱۳۸۲)، ضرورت تجدید نظر در کیفیت آموزش اقتصاد اسلامی، مجموعه مقاله‌های اولین نشست تخصصی مدرسان درس‌های اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵)، «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۲.
24. Ahmad, S. M., "Interest and Unemployment," *Islamic Studies*, March 1969, 9-46.

25. Akhtar, M. (1993). "Causes of Credit Slowdown", New York, *Quarterly Review*, vol. 4, pp. 25-75.
26. Al-Jarhi, Mabid Ali, (1981), "The Relative Efficiency of Interest-Free Monetary Economies: The Fiat Money Case," in *Studies in Islamic Economics*, Leicester, the Islamic Foundation.
27. Amin, Hanudin; Abdul Rahman, Abdul Rahim; Ramayah, T. (2009); "What makes undergraduate students enroll into an elective course? The case of Islamic accounting", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, vol. 2 Issue 4.
28. Anas Zarqa, Mohammad, (2003); "Islamization of Economics: The concepts and methodology", *Journal of King Abdulaziz University*, Vol. 16, No.1.
29. Bashirc, M, (1990), "PLS and Moral Hazard," *Journal of Islamic Social Science*, 7(3), 327-84.
30. Chang, D. Y. 1992. Extent Analysis and Synthetic Decision, Optimization Techniques and Applications. *World Scientific, Singapore* (1): 352.
31. Chang, I. C., H. G. Hwang, M. C. Hung, M. H. Lin, & D. C. Yen. 2007. Factors affecting the adoption of electronic signature: Executives' perspective of hospital information department. *Decision Support Systems* 44 (1): 350–359.
32. Chapra, M. Umer (2007), "The Case Against Riba: Is It Compelling?", Paper presented at *The International Conference on Islamic Economics*, Organized by University Brunei Darussalam and IRTI, Brunei, August 9-12.
33. Darrat, A.F, et al, (1993), "PLS and Investment," *Journal of Business*, vol. 20, pp. 20-40.
34. Gogus O., Boucher T. 1998. Strong transitivity, rationality and weak monotonicity in fuzzy pairwise comparisons, *Fuzzy Sets and Systems*, Volume 94, Issue 1, Pages 133–144.
35. Koul, Saroj and Rakesh Verma. 2011. Dynamic vendor selection based on fuzzy AHP. *Journal of Manufacturing Technology Management* 22 (8): 963-971.
36. Mirakhor, Abbas (2007), A note on Islamic economics, IRTI, IDB.
37. Siddiqi, M. N. (1983a), *Banking Without Interest*, Leicester: The Islamic Foundation.